



اسلامی ممکن است خود را نسبت به آرمان‌شهر اسلامی عقب‌مانده تلقی کند و نیاز به پیشرفت را احساس کند، یک جامعه غربی که در ارزیابی‌های دیگران یک جامعه پیشرفته و توسعه‌یافته تلقی می‌شود، به همان اندازه در وضعیت کنونی، خود را از وضعیت آرمانی فاصله‌دار می‌بیند و دائماً کوشش دارد به سوی آن جامعه آرمانی با ارزش‌هایی که فرهنگش می‌شناسد، حرکت کند و پیشرفت داشته باشد.

بنابراین اینکه یک جامعه نسبت به جامعه آرمانی تصور شده در سنت خود احساس عقب‌ماندگی کند، عاملی همیشه موجود در فرهنگ‌هاست و رخدادی ناگهانی نیست؛ این عامل همیشه می‌تواند در پیشرفت جامعه مؤثر باشد؛ اما همیشه تأثیرش

تدریجی و نامحسوس است و هرگز یک عامل تازه وارد در معادلات فرهنگی محسوب نمی‌شود که بتواند «چرخش در مسیر» و «جهش در حرکت» ایجاد کند؛ اما اینکه یک جامعه به گونه‌ای جذب جامعه دیگر شود که مسیر حرکتش با تکیه بر مسیر آن جامعه مرجع دچار چرخش شود، می‌تواند رخدادی ناگهانی باشد و عاملی برای چنین چرخش و جهش محسوب گردد؛ زیرا حاصل یک برخورد جدید با امری است که پیش‌تر با آن برخورد نشده بود یا حاصل شناخت و ارزیابی جدید از امری است که پیش‌تر چنین شناخت و ارزیابی درباره آن وجود نداشته است. اینکه یک جامعه در واکنش به چنین رویارویی با جامعه‌ای دیگر به عنوان مرجع، به گونه‌ای جذب آن شود که مسیر حرکتش را به‌طور حادتری با آن وفق دهد، دست‌کم در حیطه روابط فرهنگی، جامعه را به‌سوی «از خود بیگانگی» و «هویت‌باختگی» می‌کشاند.

### هم‌سنجی میان مرجع آرمانی و مرجع واقعی

جوامع امروزی عموماً در راستای پیشرفت از این دو مسیر افراطی، یعنی تنها تکیه بر مرجع آرمانی درونی یا تنها تکیه بر مرجع واقعی بیرونی فاصله گرفته، راه‌های پیچیده‌تری را رفته‌اند که الگوی آن برآیندی از دو مرجع یاد شده است.

با این تحلیل، باید گفت جوامع عموماً در رویارویی با یک مرجع واقعی بیرونی، احساس عقب بودن را پیدا می‌کنند و ضرورت یک جهش در حرکت و چرخش در مسیر را احساس می‌کنند، ولی در راستای راهبرد و مدیریت این حرکت، بدان سمت پیش می‌روند که نوعی هم‌سنجی میان «مرجع واقعی بیرونی» و «مرجع آرمانی درونی» و همگرایی میان اقتضائات این دو مرجع در آن رخ می‌دهد. در این راستا، مرجع آرمانی درونی «پشتوانه ارزشی» را تأمین می‌کند، سنت را در حمایت از این حرکت تازه فعال می‌نماید و به آن مشروعیت فرهنگی می‌بخشد و در سوی دیگر، مرجع واقعی بیرونی به «ملموس‌سازی آرمان‌ها» یاری می‌رساند، درستی‌های نظریه را برای هماهنگ شدن با واقعیات صیقل می‌زند و نظریه را به عمل نزدیک می‌کند.

آرمان‌شهر و نظریه‌های آرمانی برآمده از سنت، از پیش

رفتن و سمت جلو وجود دارد؛ اما اینکه کجا پیشرفت رخ داده باشد یا نه، بسته به آن دارد که چه مرجعی در این باره مبنای داوری باشد که تأیید کند حرکتی به سوی جلو رخ داده است. با وجود اینکه در اصل رخداد یا عدم رخداد حرکت نیز ممکن است تفاوت دید وجود داشته باشد، بیشترین چالش در «داوری ارزشی» نسبت به حرکت و ارزیابی آن به‌عنوان حرکتی مثبت و رو به جلو پدید می‌آید.

در فراسوی مفهوم پیشرفت، یک مؤلفه معنایی تعیین‌کننده نهفته است که رابطه آن با کلیت مفهوم، نه رابطه شمولی و تضمینی، بلکه رابطه التزامی از نوع پیش‌فرض است. در مفهوم پیشرفت، پیش‌فرض آن است که ما عقب هستیم و باید به جلو حرکت کنیم، ولی در کدام مسیر باید جلو برویم؟ و از که یا چه عقب هستیم؟ در این راستا، یک جامعه هنگامی تصمیم به پیشرفت می‌گیرد که نخست خود را در مقایسه با یک «جامعه مرجع» عقب فرض کند و دوم راهی را برگزیند که با وجود اختلاف در منازل، هم‌راستا با راه آن جامعه مرجع باشد.

در خصوص کدامی این جامعه مرجع، می‌توان از دو گونه مرجع سخن آورد: ۱. گاه ممکن است در روابط بین‌فرهنگی و در فضای فرهنگ‌های غیر، «فرهنگ ما» الگوی حرکت یک جامعه دیگر را بیسندد و آن را الگو خود قرار دهد. چنان‌که بسیاری از جوامع در نقاط مختلف جهان در طی دو قرن اخیر، الگوی جوامع غربی و راه رفته شده توسط آن‌ها را پسندیده‌اند و در مقام پیشرفت کوشش داشته‌اند در همان مسیری حرکت کنند که آنان حرکت کرده‌اند؛

۲. گونه‌ای دیگر از مرجع آن است که «جامعه ما»، جامعه مرجع را در سنت خود به‌عنوان یک جامعه آرمانی جست‌وجو کند، وضعیت کنونی خود را نسبت به آن جامعه آرمانی، عقب‌مانده تلقی کند و به طبع برای رسیدن به آن مسیری را انتخاب کند که سنت نشان می‌دهد.

### پیشرفت به‌سوی آرمان یا واقعیت؟

آنچه ذکر شد، فلسفه وجودی آرمان است و اساساً کارکرد آرمان همین است؛ این آرمان‌ها همیشه برای جوامع وجود داشته و دارند و همه جوامع در تکاپو برای بیشتر نزدیک شدن به وضعیت آرمانی‌اند. به همان اندازه که یک جامعه

در مفهوم پیشرفت، پیش‌فرض آن است که ما عقب هستیم و باید به جلو حرکت کنیم، ولی در کدام مسیر؟ یک جامعه هنگامی تصمیم به پیشرفت می‌گیرد که نخست خود را در مقایسه با یک «جامعه مرجع» عقب فرض کند و دوم راهی را برگزیند که با وجود اختلاف در منازل، هم‌راستا با راه آن جامعه مرجع باشد.